

اخلاق

وضعیت محترف نقد

دستان پاکیزه

امیر حسین خورشید فر



نقد کار گاهی- که هر روز پیش چشم خواننده پیگیر صفحه‌های ادبی مطبوعات حاضر است- دستگاهی است برای تحلیل متن ادبی در پاکیزه‌ترین و خشن‌ترین شکل آن؛ دستگاهی با ورودی‌های استاندارد و خروجی‌های قابل پیش‌بینی که محصولاش ارزان و در دسترس است. به همین خاطر است که در بی‌شمار کارگاه داستان‌نویسی و نقد بازتولید می‌شود. در این نقد گفت‌وگوی منتقد و اثر و خواننده به تذکراتی در باب ابتدایی‌ترین اصول تولید ادبی فروکاسته می‌شود. منتقد متن نوشته خود را به صورت میز خطابه فرض می‌کند و به پشت‌گرمی اصول دستگاه کار گاهی کار خود را آغاز می‌کند. این اصول تقلیل‌یافته مفاهیمی دیگرند. چنان که باورپذیری در جایگاه رئالیسم می‌ایستد یا درست‌تر خود را جا می‌زند. ورودی دستگاه باید از آنچه ناشناخته و ناخالصی است، زنده شود. هر نوع آلودگی در متن ادبی کار این دستگاه را با اخلاق مواجه می‌کند. به این خاطر است که دستگاه مستهلک نقد کار گاهی مصرا نه بر استقلال متن از مولف یای می‌فشارد زیرا پیوند نویسنده و اثر به نوار نقاله این دستگاه صدمه وارد می‌کند و آن را از کار می‌اندازد. نقد کار گاهی از مواجهه ابزارهایش با هر نوع زمینه تولید ادبی بی‌منگ است. هر انحراف کوچک متن به سمت و سویی تعریف‌نشده، جستجوگرهایش را معیوب می‌کند. هراس استراتژی دستگاه نقد کار گاهی در برابر متن ادبی به سندسورالعلمی که روی بسته‌بندی برخی کالاها درج شده بی‌شبهات نیست. «این کالا را در مجاورت گرما و رطوبت قرار ندهید.» قرار دادن کالا در مجاورت رطوبت یا گرما باعث می‌شود تغییر و تبدیل شیمیایی پیش بیاید و نتیجه پیش‌بینی‌شده حاصل نشود. گزاره‌های نقد کار گاهی هم عموماً به شکلی تحکم‌آمیز و از این رو بسیار شبیه به شمایل گرافیکی بسته‌بندی عرضه می‌شوند: «نویسنده- زمینه نمی‌تواند خود را به اثر الصاق کند.» واضح است که در استعاره مبتذل الصاق به متن (که به خلط پوزخندآمیز دانسته می‌شود) خواستی آسان‌گیرانه و گرافیکی نهفته است، شبیه همان هشدار نقد کار گاهی که با شمایل‌های ساده ضرب در دوش قطر نمایش داده می‌شود. نقد کار گاهی که بی‌تردید در برداشتی ساده‌انگارانه از ساختار مکانیکی نمایشنامه خوش‌ساخت بر مبنای اقتصاد رویداد و جذابیت ریشه دارد، خود را به اسطوره ازلی دآوری عادلانه بدون تأثیرپذیری از هیچ عنصر بیرونی منتسب می‌سازد. «پنجا با متن سروکار داریم نه چیز دیگر. یگانه معیار ما برای دآوری، متنی است که پیش رویمان قرار دارد. ابزارهایمان که کارایی‌شان بر مبنای نیک‌اندیشانه‌ترین انسان‌شناسی ممکن سنجیده شده، حاضرند. خواهید دید که با این ابزارها چگونه زیر و بم اثر تحلیل می‌شود و ساختار درونی آن آشکار می‌شود.» اما آشکار شدن این ساختار درونی تنها به کار تقویت مداوم پایه‌های دستگاه می‌آید. آزمون اثبات‌های فرایندی می‌کنند است که هر روز در مطبوعات تکرار می‌شود و قهرمان سربلند از آن بیرون می‌آید. اما یک زمینه مصنوعی و بدون دردسر همواره می‌تواند به دستگاه متصل شود که زمینه روانشناختی است. نویسنده تنها مجاز است خود را از طریق اختلال‌های روانشناختی مشخص که در چارچوب ابلهانه‌ترین قرائت‌های فرایندی می‌کنند به متن الصاق کند. این زمینه بی‌آز است. متن در مجاورت آن فاسد نمی‌شود. اتفاقاً اثر ادبی را به نوعی رازاورگی می‌آمیزد. «همان طور که می‌بینید گاهی هنر به معاک‌های روح انسان اشاره می‌کند و از درونیات پرده نمی‌دارد.» به همین خاطر است که در برابر برج و باروی غمی‌انویسی و درونگرایی شبیه‌عرفان منفعل می‌ایستد، حتی از انطباق زمینه روانشناسی با آن به شوق می‌آید. محصول آسان‌یاب این دستگاه نقدی است تهی‌شده اما بی‌اندازه پاکیزه. هیچ مسوولیتی بر دوش منتقد نیست جز رنجاندن بهبود نویسنده. او در شبکه منسجم و خودکار با مدیریت دستگاه در ارتباط است. آموزه‌های مناسب برای طرح فرض‌ها به سرعت در اختیارش قرار می‌گیرد. او کارگزار انصاف است بنابراین میز کارش باید مرتب باشد. جراحی است که ابزار کار مناسب با کوچک‌ترین اشارهای در اختیارش قرار می‌گیرد اما به شرط آنکه حقیقتاً بدن متن را شکافد گرچه حتی اگر قصد کند که درمی‌یابد ابزارهای برنده نیست. در مقابل ممکن نیست دست‌هایش بعد از عمل نقد خون‌آلود باشد یا آنکه مرگی روی داده باشند. در فضایی که به شدت از آن محافظت می‌شود تا فعل و انفعال دیگری در آن صورت نپذیرد نتیجه عمل نقد را سیطره‌های ماورایی (دستگاه نقد کار گاهی) تعیین کرده است. ابتذال منتقد در این بی‌تأثیری و وسواس است. دوباره جراح را به یاد آورید که وقتی بستانگ بیمار از حال او پرس و جو می‌کنند، می‌گویند: چرا نقد رخ داده چقد خوب و چه بد نقشی نداشت. بدبختانه در حرفه منتقد این یک تعارف کلیشه‌ای حرفه‌ای نیست، واقعیتی است که می‌تواند شمار صنف باشد. «ما در آنچه بر اساس عدل و انصاف گفته می‌شود هیچ تأثیری نخواهیم داشت.» اما چه چیزی در مزیت‌های غیرواثناختی اثر تا این اندازه هشتاک و جرحه‌های نقد کار گاهی که مدعی است اثر ادبی تنها موضوع کار آن است حتی درصدد ایجاد پیوند با سنت «نقد نو» نیست؟ آلودگی متن ادبی چه خاصیت برآشوبنده‌ای در خود دارد؟ چیزی عمیق‌تر از یک جدل هنری در بین است، به ویژه آنگاه که نقد کار گاهی نیک‌خواهانه تذکر می‌دهد ادبیات را از شر نیروهای مزاحم و بیرونی رهاکنیده است و آن را به موقعیت آزادوار کنونی رسانده است. پیوسته دستان‌ورهایش را برمی‌شمارد و استراتژی علمی خود را تبلیغ می‌کند.

«نماد گمشده» آخرین رمان معامعی دن براون ترسناک‌ترین اثر اوست. این ترس نه‌چندان ربطی به دیسپهای پلید یک تپه‌کار (باز هم یک هیولای تک‌بعدی خودپروانگر) دارد و نه حتی ناشی از طرح داستان است که یک مک‌گافین آن را پیش می‌برد. دن براون که از محکومیت «رمز داوینچی» از سوی واتیکان و ممانعت آن از ساخت فیلم «فرشته‌ها و شیاطین» در رم عبرت نگرفته، آشکارا مسجور فرقه قدرتمند، رموز و باستانی دیگری یعنی ماسون شده است. این ترسناک است. کتاب او بیش از آنکه تفسیرگر مراسم و نمادهای نامانوس ماسون‌ها باشد و روشن کند چگونه از زمانی که جرج واشنگتن در جامه فاخر ماسون‌ها با پیشنده ساتن حاشیه‌دوزی شده، سنگبنای عمارت کنگره را طی مراسمی ماسونی گذاشت، این باشگاه خصوصی نخبگان سیاست‌های پایتخت را خط‌دهی و تمدن غرب را هدایت می‌کند (مانند فرشته‌ها و شیاطین)، تارش نویدنامه‌ای برای نزدیکی به ماسون‌هاست. اگر فرض کنیم ماسون‌ها مرعوب‌کننده‌تر از واتیکان هستند و اگر دن براون اکنون بخشی از نقشه‌ردمگم‌کنی نشانه‌شناسیک آنهاست، پس تنها می‌توان گفت خدا به دامان برسد. اما تقصیر براون چیست؟ آیا می‌توان از انجمن اخوتی ترسید که مل پلنک (صدای باگروانی)، باز الدربن (هدایت‌کننده آپولو یازده) و دیو توماس (مؤسس غذاخوری‌های زنجیره‌ای وندی) در آن عضویت دارند؟ آیا براون در طول پنج سالی که به پژوهش برای کتابش پرداخت، به تدریج باور کرد که ماسون‌ها گلولی هر کس که اسرارشان را فاش کند، می‌برند؟ آیا او به این مساله پی برده که ماسون‌ها تنها یک دسته پیرمرد نیستند که لباس‌های خنده‌دار می‌پوشند تا شب بی‌دردسری را سر کنند؟ آیا ممکن است ماسون‌ها واقعاً «دیسپسه‌کارانی خدانشناس» باشند که پیمان مرگ با یکدیگر بسته‌اند تا در نهادهای حکومتی نفوذ و دنیا را اداره کنند؟ آیا براون اسناد سر ی گارصودوفی در CIA (که آن هم توسط ماسون دیگری به نام هری ترومن پایه‌گذاری شد) را رمزگشایی کرده و دریافته است برخی از شایعات دیوانه‌وار مربوط به ماسون‌ها حقیقت دارد؟ آیا جک خونریز (قاتل سریالی لندن در ۱۸۸۸) یکی از اعضای ماسون‌ها بود که هویتش توسط ماموران پلیس وابسته به ماسون‌ها پنهان شد؟ آیا سالیروی و دیگران، موتورات، هنگساز جوان ماسون را بعد از افشای گوشه‌ای از نمادهای انجمن در ابرای «فلوت سحرآمیز» به قتل رساندند؟ من مشتاق بودم تا براون در قدرت رموز واشنگتن، در درگاه‌های باستانی، گذرگاه‌های مخفی و در سرزمین سایه‌ها کند و کلو کند. به عنوان یکی از ساکنان این شهر، از کودکی به بناهای آن علاقه‌مند بودم. بارها از کنار معبد ماسونی آیین اسکاتلندی در خیابان شازنده عبور کردم. به خاطر می‌آورم که دخترپه‌ای بدهم که شبی با پدر از ساختمان روشن کنگره به خانه بازگشتم. دلم می‌خواست به دوش اسرارآمیز معبد مقدس مرمری پی ببرم و به معرفت گمشده اعصار پیشین دست یابم. پس با خوشحالی با رابرت لنگدون (قهرمان داستان)، که انگار داروی آرامبخشی برای نویسنده و هزاد اوست، همراه شدم و نگذاشتم نازدگی‌ام از اینکه نامدشناس فارغ‌التحصیل هاروارد هنوز ساعت میکی‌ماوس‌اش را به دست دارد، قهقهه‌اش را خودش خرد می‌کند و از معاشرت با قهرمان زن باهوش داستان که قرار است به حل معماهای باستانی کمک کند می‌پرهمیزد، مانع از این همراهی شـود. زن جذاب این داستان، کاترین سالومون زنی لاغراندام با چشمان خاکستری است و درباره توانمندی‌های ناشناخته ذهن انسان پژوهش می‌کند. شاید براون بررسی توانمندی‌های کشف نشده بدن انسان را نیز در نظر داشته است، از آن رو که قهرمان رزش ۵۰ ساله است؛ چیزی که بی‌تردید به مذاق استودیهای هالیوود خوش نیامده است.

شخصیت‌پردازی کاترین که چند سالی از لنگدون بزرگ‌تر است، شاید ادای دین براون به همسرش باشد که به او در تالیف «دوری از این ۱۸۷ مرد: راهنمای حیاتی برای زنان سرخروه از عشق» (۱۹۹۵) پاری رساند. احساسات و عواطف چیزی است که دن براون از مورگشایی آن ناتوان است. صحنه‌های عاطفی کتاب او انگار رمزگذاری شده است. بااینکه ظاهراً کاترین نیمه گمشده لنگدون است، گرم‌ترین لحظات داستان‌های ری برادبری- منتخب ۱۱۱۲ صفحه‌ای انتشارات اوریمزن لایبراری که در ششم آوریل و درست چند ماه پیش از ۹۰ سالگی نویسنده در ۱۲ اگوست چاپ و منتشر شد- ملو از شگفتی است. در میان آنها مسافران زمانی که مخفیانه از آیندای ترسناک به گذشته سفر می‌کنند؛آبازای یک کودکان که در آن شیرهای ویدئویی دندن‌های واقعی دارند؛ دایناسورهایی ساکن قیابوس که عاشق فالوس دریایی می‌شوند. خانه طوطیه «زی برادبری» در لس‌آنجلس، حومه جویوت هیلز هم تابفته از اشایی شگفت‌انگیز است؛ بایوده‌ها، جایزه‌ها و یادگارهای یک عمر که نویسنده کتاب‌های «حکایت‌های مرخی»، «شربار قاصد» و «هرد مصور» را به اختراعاتی از قبیل نشان بنیاد ملی کتاب، نشان هنر و ادبیات (- Co mandeur) فرانسوی، ستاره‌ای روی پیاده‌رو هالیوود هالیوود و تکی‌ای از ماه (دعانه آتشفشانی‌ی صاعد) که به پاس یکی از آثارش نامگذاری شده، رسانده‌اند. برای مثال روی دیوار راهرو طبقه بالای آن خانه عکس قهوه‌ای‌رنگی از نویسنده انگلیسی «سامرست موام» (۱۹۶۵- ۱۸۷۴) آویخته شده است. برادبری سیدیمو مثل جادوگری خیر‌خواه همان‌جا نشسته و می‌گوید «هوام آدم تأثیرگذار و بزرگی بود. من داستان‌های کوتاهش را دوست داشتم. زمانی که ۳۹ ساله بودم، برایش نامه نوشتم؛ نهایه به عنوان طرف‌دارش نوشتم و نخستین کتاب داستان‌هایم برایش فرستادم. و سامرست موام پاسخ را داد و نوشته بود: فکر می‌کنم اگران کاران یو از تعدادی از این داستان‌ها خوشش می‌آمد بیان این از سوی او مساله مهمی نیست؟» داستان‌های یو از جمله نخستین داستان‌هایی بودند که در دوران کودکی برادبری را تحت تأثیر قرار دادند؛ دورانی که بیشتر از آنکه ویلیوکیگان لیلیونیز گذشت.همدم‌های دیگر کودکی‌اش مجموعه کتاب‌هایی از «ال. فرانک باوم»، داستان‌های «مرخی»، «دگار رایس بورو» و داستان‌های پرماجرا و علمی زؤل ورن بود. کتاب‌ها و فیلم‌هایی که بر اساس آنها ساخته شده بود، در ذهن جوانکی که از همسالان خود در ایالت‌های غرب میانه ترسوتر و خلاق‌تر بود، جرقه‌هایی را به وجود آوردند. برادبری درباره هم‌کلاسی‌هایش می‌گوید: «هر اوست نداشتند. چند روز بعد، من نازک‌نارنجی بودم، پرسی پچنه‌ن که کنکش می‌زدند.» اما در سال ۱۹۳۴ برادبری ۱۴ ساله همراه خانواده‌اش به لس‌آنجلس نقل مکان کردند؛ سرچشمه منظر سلولونیدی که او عاشق‌شان بود. به پسرک حالا در هشتاد و نه سالگی می‌باشد و به خاطر می‌آورد: «من نزدیک تماشاخانه پیکوود در حوالی

ادبیات جهان



نقد نیویورک تایمز بر **رمان «نماد گمشده» دن براون**

خدا به دادمان برسد

مورین داود- ترجمه: ف. صارمی

کتاب‌های براون فیلمنامه‌هایی هستند که جامه میدل رمان به تن کرده‌اند. اما این بار یا را فراتر گذاشته و بازیگران فیلم را هم انتخاب کرده است. او وارن بلامی، ارشیتکت ماسون عمارت کنگره را امریکایی- آفریقایی سالخورده‌ای توصیف می‌کند که موهای خاکستری بسیار کوتاهی دارد و کلمات را خشک و شمرده ادا می‌کند.

نکته



رابطه‌شان زمانی است که لنگدون به او چشمک می‌زند یا لبخند کجی تحویل او می‌دهد. دن براون از اینکه نامدشناس فارغ‌التحصیل هاروارد هنوز ساعت میکی‌ماوس‌اش را به دست دارد، قهقهه‌اش را خودش خرد می‌کند و از معاشرت با قهرمان زن باهوش داستان که قرار است به حل معماهای باستانی کمک کند می‌پرهمیزد، مانع از این همراهی شـود. زن جذاب این داستان، کاترین سالومون زنی لاغراندام با چشمان خاکستری است و درباره توانمندی‌های ناشناخته ذهن انسان پژوهش می‌کند. شاید براون بررسی توانمندی‌های کشف نشده بدن انسان را نیز در نظر داشته است، از آن رو که قهرمان رزش ۵۰ ساله است؛ چیزی که بی‌تردید به مذاق استودیهای هالیوود خوش نیامده است.

شخصیت‌پردازی کاترین که چند سالی از لنگدون بزرگ‌تر است، شاید ادای دین براون به همسرش باشد که به او در تالیف «دوری از این ۱۸۷ مرد: راهنمای حیاتی برای زنان سرخروه از عشق» (۱۹۹۵) پاری رساند. احساسات و عواطف چیزی است که دن براون از مورگشایی آن ناتوان است. صحنه‌های عاطفی کتاب او انگار رمزگذاری شده است. بااینکه ظاهراً کاترین نیمه گمشده لنگدون است، گرم‌ترین لحظات

ری برادبری «فانهایت ۴۵۱» را با ماشین تحریر اجاره‌ای نوشت

تام نولان

ترجمه: توفان راه‌چینی

(بلوار) پیکو و وسترن لس‌آنجلس زندگی می‌کردم. هر شب نگاه می‌کردم ببینم چه خبر است. اگر فالوس سرخی در برج تماشاخانه آویخته بود، متوجه می‌شدم که آن شب پیش‌نمایش اثری است. یک هیلز هم تابفته از اشایی شگفت‌انگیز است؛ بایوده‌ها، جایزه‌ها و یادگارهای یک عمر که نویسنده کتاب‌های «حکایت‌های مرخی»، «شربار قاصد» و «هرد مصور» را به اختراعاتی از قبیل نشان بنیاد ملی کتاب، نشان هنر و ادبیات (- Co mandeur) فرانسوی، ستاره‌ای روی پیاده‌رو هالیوود هالیوود و تکی‌ای از ماه (دعانه آتشفشانی‌ی صاعد) که به پاس یکی از آثارش نامگذاری شده، رسانده‌اند. برای مثال روی دیوار راهرو طبقه بالای آن خانه عکس قهوه‌ای‌رنگی از نویسنده انگلیسی «سامرست موام» (۱۹۶۵- ۱۸۷۴) آویخته شده است. برادبری سیدیمو مثل جادوگری خیر‌خواه همان‌جا نشسته و می‌گوید «هوام آدم تأثیرگذار و بزرگی بود. من داستان‌های کوتاهش را دوست داشتم. زمانی که ۳۹ ساله بودم، برایش نامه نوشتم؛ نهایه به عنوان طرف‌دارش نوشتم و نخستین کتاب داستان‌هایم برایش فرستادم. و سامرست موام پاسخ را داد و نوشته بود: فکر می‌کنم اگران کاران یو از تعدادی از این داستان‌ها خوشش می‌آمد بیان این از سوی او مساله مهمی نیست؟» داستان‌های یو از جمله نخستین داستان‌هایی بودند که در دوران کودکی برادبری را تحت تأثیر قرار دادند؛ دورانی که بیشتر از آنکه ویلیوکیگان لیلیونیز گذشت.همدم‌های دیگر کودکی‌اش مجموعه کتاب‌هایی از «ال. فرانک باوم»، داستان‌های «مرخی»، «دگار رایس بورو» و داستان‌های پرماجرا و علمی زؤل ورن بود. کتاب‌ها و فیلم‌هایی که بر اساس آنها ساخته شده بود، در ذهن جوانکی که از همسالان خود در ایالت‌های غرب میانه ترسوتر و خلاق‌تر بود، جرقه‌هایی را به وجود آوردند. برادبری درباره هم‌کلاسی‌هایش می‌گوید: «هر اوست نداشتند. چند روز بعد، من نازک‌نارنجی بودم، پرسی پچنه‌ن که کنکش می‌زدند.» اما در سال ۱۹۳۴ برادبری ۱۴ ساله همراه خانواده‌اش به لس‌آنجلس نقل مکان کردند؛ سرچشمه منظر سلولونیدی که او عاشق‌شان بود. به پسرک حالا در هشتاد و نه سالگی می‌باشد و به خاطر می‌آورد: «من نزدیک تماشاخانه پیکوود در حوالی

یک نویسنده واقعی

اندرو لئونارد: در بهار ۱۹۵۴ «ری برادبری» در اوج دوران حرفه‌ای‌اش از ایرلند که در آنجا فیلمنامه «موبی دیک» را برای «جان هیوستون» نوشته بود، به ایالات متحده بازگشت. چندی بعد در جلسه ویژه انجمن فیلمنامه‌نویسان حضور یافت. این جلسه برای تصمیم‌گیری در خصوص این نکته برگزار شد که آیا اعتبار نمایش آثار نویسندگان متوسل شده به «متمم پنجم» را هنگام احضار برای شهادت در کمیته فعالیت‌های ضدامریکایی کنگره لغو کند یا نه.(متمم پنجم:اصطلاحی حقوقی در ایالات متحده امریکا است که بنا بر آن، فردی که به دادگاه یا در مقابل کمیته تحقیق کنگره امریکا برای شهادت زیر قسم احضار شده است و این امکان وجود دارد که شهادتش علیه خود وی استفاده شود و باعث احتمالی اعلام جرم علیه خودش شود این حق را دارد که از شهادت دادن خودداری کند) نخستین پیاده شد من او را شناختم: اروین تالبرگ بود، رئیس متروگلدوین‌مایر. رو رفت و با خانمی بیرون آمد: نورما شیور... به این جلسه برای تصمیم‌گیری در خصوص این نکته برگزار شد که آیا اعتبار نمایش آثار نویسندگان متوسل شده به «متمم پنجم» را هنگام احضار برای شهادت در کمیته فعالیت‌های ضدامریکایی کنگره لغو کند یا نه.(متمم پنجم:اصطلاحی حقوقی در ایالات متحده امریکا است که بنا بر آن، فردی که به دادگاه یا در مقابل کمیته تحقیق کنگره امریکا برای شهادت زیر قسم احضار شده است و این امکان وجود دارد که شهادتش علیه خود وی استفاده شود و باعث احتمالی اعلام جرم علیه خودش شود این حق را دارد که از شهادت دادن خودداری کند) نخستین پیاده شد من او را شناختم: اروین تالبرگ بود، رئیس متروگلدوین‌مایر. رو رفت و با خانمی بیرون آمد: نورما شیور... به این جلسه برای تصمیم‌گیری در خصوص این نکته برگزار شد که آیا اعتبار نمایش آثار نویسندگان متوسل شده به «متمم پنجم» را هنگام احضار برای شهادت در کمیته فعالیت‌های ضدامریکایی کنگره لغو کند یا نه.(متمم پنجم:اصطلاحی حقوقی در ایالات متحده امریکا است که بنا بر آن، فردی که به دادگاه یا در مقابل کمیته تحقیق کنگره امریکا برای شهادت زیر قسم احضار شده است و این امکان وجود دارد که شهادتش علیه خود وی استفاده شود و باعث احتمالی اعلام جرم علیه خودش شود این حق را دارد که از شهادت دادن خودداری کند) نخستین پیاده شد من او را شناختم: اروین تالبرگ بود، رئیس متروگلدوین‌مایر. رو رفت و با خانمی بیرون آمد: نورما شیور... به این جلسه برای تصمیم‌گیری در خصوص این نکته برگزار شد که آیا اعتبار نمایش آثار نویسندگان متوسل شده به «متمم پنجم» را هنگام احضار برای شهادت در کمیته فعالیت‌های ضدامریکایی کنگره لغو کند یا نه.(متمم پنجم:اصطلاحی حقوقی در ایالات متحده امریکا است که بنا بر آن، فردی که به دادگاه یا در مقابل کمیته تحقیق کنگره امریکا برای شهادت زیر قسم احضار شده است و این امکان وجود دارد که شهادتش علیه خود وی استفاده شود و باعث احتمالی اعلام جرم علیه خودش شود این حق را دارد که از شهادت دادن خودداری کند) نخستین پیاده شد من او را شناختم: اروین تالبرگ بود، رئیس متروگلدوین‌مایر. رو رفت و با خانمی بیرون آمد: نورما شیور... به این جلسه برای تصمیم‌گیری در خصوص این نکته برگزار شد که آیا اعتبار نمایش آثار نویسندگان متوسل شده به «متمم پنجم» را هنگام احضار برای شهادت در کمیته فعالیت‌های ضدامریکایی کنگره لغو کند یا نه.(متمم پنجم:اصطلاحی حقوقی در ایالات متحده امریکا است که بنا بر آن، فردی که به دادگاه یا در مقابل کمیته تحقیق کنگره امریکا برای شهادت زیر قسم احضار شده است و این امکان وجود دارد که شهادتش علیه خود وی استفاده شود و باعث احتمالی اعلام جرم علیه خودش شود این حق را دارد که از شهادت دادن خودداری کند) نخستین پیاده شد من او را شناختم: اروین تالبرگ بود، رئیس متروگلدوین‌مایر. رو رفت و با خانمی بیرون آمد: نورما شیور... به این جلسه برای تصمیم‌گیری در خصوص این نکته برگزار شد که آیا اعتبار نمایش آثار نویسندگان متوسل شده به «متمم پنجم» را هنگام احضار برای شهادت در کمیته فعالیت‌های ضدامریکایی کنگره لغو کند یا نه.(متمم پنجم:اصطلاحی حقوقی در ایالات متحده امریکا است که بنا بر آن، فردی که به دادگاه یا در مقابل کمیته تحقیق کنگره امریکا برای شهادت زیر قسم احضار شده است و این امکان وجود دارد که شهادتش علیه خود وی استفاده شود و باعث احتمالی اعلام جرم علیه خودش شود این حق را دارد که از شهادت دادن خودداری کند) نخستین پیاده شد من او را شناختم: اروین تالبرگ بود، رئیس متروگلدوین‌مایر. رو رفت و با خانمی بیرون آمد: نورما شیور... به این جلسه برای تصمیم‌گیری در خصوص این نکته برگزار شد که آیا اعتبار نمایش آثار نویسندگان متوسل شده به «متمم پنجم» را هنگام احضار برای شهادت در کمیته فعالیت‌های ضدامریکایی کنگره لغو کند یا نه.(متمم پنجم:اصطلاحی حقوقی در ایالات متحده امریکا است که بنا بر آن، فردی که به دادگاه یا در مقابل کمیته تحقیق کنگره امریکا برای شهادت زیر قسم احضار شده است و این امکان وجود دارد که شهادتش علیه خود وی استفاده شود و باعث احتمالی اعلام جرم علیه خودش شود این حق را دارد که از شهادت دادن خودداری کند) نخستین پیاده شد من او را شناختم: اروین تالبرگ بود، رئیس متروگلدوین‌مایر. رو رفت و با خانمی بیرون آمد: نورما شیور... به این جلسه برای تصمیم‌گیری در خصوص این نکته برگزار شد که آیا اعتبار نمایش آثار نویسندگان متوسل شده به «متمم پنجم» را هنگام احضار برای شهادت در کمیته فعالیت‌های ضدامریکایی کنگره لغو کند یا نه.(متمم پنجم:اصطلاحی حقوقی در ایالات متحده امریکا است که بنا بر آن، فردی که به دادگاه یا در مقابل کمیته تحقیق کنگره امریکا برای شهادت زیر قسم احضار شده است و این امکان وجود دارد که شهادتش علیه خود وی استفاده شود و باعث احتمالی اعلام جرم علیه خودش شود این حق را دارد که از شهادت دادن خودداری کند) نخستین پیاده شد من او را شناختم: اروین تالبرگ بود، رئیس متروگلدوین‌مایر. رو رفت و با خانمی بیرون آمد: نورما شیور... به این جلسه برای تصمیم‌گیری در خصوص این نکته برگزار شد که آیا اعتبار نمایش آثار نویسندگان متوسل شده به «متمم پنجم» را هنگام احضار برای شهادت در کمیته فعالیت‌های ضدامریکایی کنگره لغو کند یا نه.(متمم پنجم:اصطلاحی حقوقی در ایالات متحده امریکا است که بنا بر آن، فردی که به دادگاه یا در مقابل کمیته تحقیق کنگره امریکا برای شهادت زیر قسم احضار شده است و این امکان وجود دارد که شهادتش علیه خود وی استفاده شود و باعث احتمالی اعلام جرم علیه خودش شود این حق را دارد که از شهادت دادن خودداری کند) نخستین پیاده شد من او را شناختم: اروین تالبرگ بود، رئیس متروگلدوین‌مایر. رو رفت و با خانمی بیرون آمد: نورما شیور... به این جلسه برای تصمیم‌گیری در خصوص این نکته برگزار شد که آیا اعتبار نمایش آثار نویسندگان متوسل شده به «متمم پنجم» را هنگام احضار برای شهادت در کمیته فعالیت‌های ضدامریکایی کنگره لغو کند یا نه.(متمم پنجم:اصطلاحی حقوقی در ایالات متحده امریکا است که بنا بر آن، فردی که به دادگاه یا در مقابل کمیته تحقیق کنگره امریکا برای شهادت زیر قسم احضار شده است و این امکان وجود دارد که شهادتش علیه خود وی استفاده شود و باعث احتمالی اعلام جرم علیه خودش شود این حق را دارد که از شهادت دادن خودداری کند) نخستین پیاده شد من او را شناختم: اروین تالبرگ بود، رئیس متروگلدوین‌مایر. رو رفت و با خانمی بیرون آمد: نورما شیور... به این جلسه برای تصمیم‌گیری در خصوص این نکته برگزار شد که آیا اعتبار نمایش آثار نویسندگان متوسل شده به «متمم پنجم» را هنگام احضار برای شهادت در کمیته فعالیت‌های ضدامریکایی کنگره لغو کند یا نه.(متمم پنجم:اصطلاحی حقوقی در ایالات متحده امریکا است که بنا بر آن، فردی که به دادگاه یا در مقابل کمیته تحقیق کنگره امریکا برای شهادت زیر قسم احضار شده است و این امکان وجود دارد که شهادتش علیه خود وی استفاده شود و باعث احتمالی اعلام جرم علیه خودش شود این حق را دارد که از شهادت دادن خودداری کند) نخستین پیاده شد من او را شناختم: اروین تالبرگ بود، رئیس متروگلدوین‌مایر. رو رفت و با خانمی بیرون آمد: نورما شیور... به این جلسه برای تصمیم‌گیری در خصوص این نکته برگزار شد که آیا اعتبار نمایش آثار نویسندگان متوسل شده به «متمم پنجم» را هنگام احضار برای شهادت در کمیته فعالیت‌های ضدامریکایی کنگره لغو کند یا نه.(متمم پنجم:اصطلاحی حقوقی در ایالات متحده امریکا است که بنا بر آن، فردی که به دادگاه یا در مقابل کمیته تحقیق کنگره امریکا برای شهادت زیر قسم احضار شده است و این امکان وجود دارد که شهادتش علیه خود وی استفاده شود و باعث احتمالی اعلام جرم علیه خودش شود این حق را دارد که از شهادت دادن خودداری کند) نخستین پیاده شد من او را شناختم: اروین تالبرگ بود، رئیس متروگلدوین‌مایر. رو رفت و با خانمی بیرون آمد: نورما شیور... به این جلسه برای تصمیم‌گیری در خصوص این نکته برگزار شد که آیا اعتبار نمایش آثار نویسندگان متوسل شده به «متمم پنجم» را هنگام احضار برای شهادت در کمیته فعالیت‌های ضدامریکایی کنگره لغو کند یا نه.(متمم پنجم:اصطلاحی حقوقی در ایالات متحده امریکا است که بنا بر آن، فردی که به دادگاه یا در مقابل کمیته تحقیق کنگره امریکا برای شهادت زیر قسم احضار شده است و این امکان وجود دارد که شهادتش علیه خود وی استفاده شود و باعث احتمالی اعلام جرم علیه خودش شود این حق را دارد که از شهادت دادن خودداری کند) نخستین پیاده شد من او را شناختم: اروین تالبرگ بود، رئیس متروگلدوین‌مایر. رو رفت و با خانمی بیرون آمد: نورما شیور... به این جلسه برای تصمیم‌گیری در خصوص این نکته برگزار شد که آیا اعتبار نمایش آثار نویسندگان متوسل شده به «متمم پنجم» را هنگام احضار برای شهادت در کمیته فعالیت‌های ضدامریکایی کنگره لغو کند یا نه.(متمم پنجم:اصطلاحی حقوقی در ایالات متحده امریکا است که بنا بر آن، فردی که به دادگاه یا در مقابل کمیته تحقیق کنگره امریکا برای شهادت زیر قسم احضار شده است و این امکان وجود دارد که شهادتش علیه خود وی استفاده شود و باعث احتمالی اعلام جرم علیه خودش شود این حق را دارد که از شهادت دادن خودداری کند) نخستین پیاده شد من او را شناختم: اروین تالبرگ بود، رئیس متروگلدوین‌مایر. رو رفت و با خانمی بیرون آمد: نورما شیور... به این جلسه برای تصمیم‌گیری در خصوص این نکته برگزار شد که آیا اعتبار نمایش آثار نویسندگان متوسل شده به «متمم پنجم» را هنگام احضار برای شهادت در کمیته فعالیت‌های ضدامریکایی کنگره لغو کند یا نه.(متمم پنجم:اصطلاحی حقوقی در ایالات متحده امریکا است که بنا بر آن، فردی که به دادگاه یا در مقابل کمیته تحقیق کنگره امریکا برای شهادت زیر قسم احضار شده است و این امکان وجود دارد که شهادتش علیه خود وی استفاده شود و باعث احتمالی اعلام جرم علیه خودش شود این حق را دارد که از شهادت دادن خودداری کند) نخستین پیاده شد من او را شناختم: اروین تالبرگ بود، رئیس متروگلدوین‌مایر. رو رفت و با خانمی بیرون آمد: نورما شیور... به این جلسه برای تصمیم‌گیری در خصوص این نکته برگزار شد که آیا اعتبار نمایش آثار نویسندگان متوسل شده به «متمم پنجم» را هنگام احضار برای شهادت در کمیته فعالیت‌های ضدامریکایی کنگره لغو کند یا نه.(متمم پنجم:اصطلاحی حقوقی در ایالات متحده امریکا است که بنا بر آن، فردی که به دادگاه یا در مقابل کمیته تحقیق کنگره امریکا برای شهادت زیر قسم احضار شده است و این امکان وجود دارد که شهادتش علیه خود وی استفاده شود و باعث احتمالی اعلام جرم علیه خودش شود این حق را دارد که از شهادت دادن خودداری کند) نخستین پیاده شد من او را شناختم: اروین تالبرگ بود، رئیس متروگلدوین‌مایر. رو رفت و با خانمی بیرون آمد: نورما شیور... به این جلسه برای تصمیم‌گیری در خصوص این نکته برگزار شد که آیا اعتبار نمایش آثار نویسندگان متوسل شده به «متمم پنجم» را هنگام احضار برای شهادت در کمیته فعالیت‌های ضدامریکایی کنگره لغو کند یا نه.(متمم پنجم:اصطلاحی حقوقی در ایالات متحده امریکا است که بنا بر آن، فردی که به دادگاه یا در مقابل کمیته تحقیق کنگره امریکا برای شهادت زیر قسم احضار شده است و این امکان وجود دارد که شهادتش علیه خود وی استفاده شود و باعث احتمالی اعلام جرم علیه خودش شود این حق را دارد که از شهادت دادن خودداری کند) نخستین پیاده شد من او را شناختم: اروین تالبرگ بود، رئیس متروگلدوین‌مایر. رو رفت و با خانمی بیرون آمد: نورما شیور... به این جلسه برای تصمیم‌گیری در خصوص این نکته برگزار شد که آیا اعتبار نمایش آثار نویسندگان متوسل شده به «متمم پنجم» را هنگام احضار برای شهادت در کمیته فعالیت‌های ضدامریکایی کنگره لغو کند یا نه.(متمم پنجم:اصطلاحی حقوقی در ایالات متحده امریکا است که بنا بر آن، فردی که به دادگاه یا در مقابل کمیته تحقیق کنگره امریکا برای شهادت زیر قسم احضار شده است و این امکان وجود دارد که شهادتش علیه خود وی استفاده شود و باعث احتمالی اعلام جرم علیه خودش شود این حق را دارد که از شهادت دادن خودداری کند) نخستین پیاده شد من او را شناختم: اروین تالبرگ بود، رئیس متروگلدوین‌مایر. رو رفت و با خانمی بیرون آمد: نورما شیور... به این جلسه برای تصمیم‌گیری در خصوص این نکته برگزار شد که آیا اعتبار نمایش آثار نویسندگان متوسل شده به «متمم پنجم» را هنگام احضار برای شهادت در کمیته فعالیت‌های ضدامریکایی کنگره لغو کند یا نه.(متمم پنجم:اصطلاحی حقوقی در ایالات متحده امریکا است که بنا بر آن، فردی که به دادگاه یا در مقابل کمیته تحقیق کنگره امریکا برای شهادت زیر قسم احضار شده است و این امکان وجود دارد که شهادتش علیه خود وی استفاده شود و باعث احتمالی اعلام جرم علیه خودش شود این حق را دارد که از شهادت دادن خودداری کند) نخستین پیاده شد من او را شناختم: اروین تالبرگ بود، رئیس متروگلدوین‌مایر. رو رفت و با خانمی بیرون آمد: نورما شیور... به این جلسه برای تصمیم‌گیری در خصوص این نکته برگزار شد که آیا اعتبار نمایش آثار نویسندگان متوسل شده به «متمم پنجم» را هنگام احضار برای شهادت در کمیته فعالیت‌های ضدامریکایی کنگره لغو کند یا نه.(متمم پنجم:اصطلاحی حقوقی در ایالات متحده امریکا است که بنا بر آن، فردی که به دادگاه یا در مقابل کمیته تحقیق کنگره امریکا برای شهادت زیر قسم احضار شده است و این امکان وجود دارد که شهادتش علیه خود وی استفاده شود و باعث احتمالی اعلام جرم علیه خودش شود این حق را دارد که از شهادت دادن خودداری کند) نخستین پیاده شد من او را شناختم: اروین تالبرگ بود، رئیس متروگلدوین‌مایر. رو رفت و با خانمی بیرون آمد: نورما شیور... به این جلسه برای تصمیم‌گیری در خصوص این نکته برگزار شد که آیا اعتبار نمایش آثار نویسندگان متوسل شده به «متمم پنجم» را هنگام احضار برای شهادت در کمیته فعالیت‌های ضدامریکایی کنگره لغو کند یا نه.(متمم پنجم:اصطلاحی حقوقی در ایالات متحده امریکا است که بنا بر آن، فردی که به دادگاه یا در مقابل کمیته تحقیق کنگره امریکا برای شهادت زیر قسم احضار شده است و این امکان وجود دارد که شهادتش علیه خود وی استفاده شود و باعث احتمالی اعلام جرم علیه خودش شود این حق را دارد که از شهادت دادن خودداری کند) نخستین پیاده شد من او را شناختم: اروین تالبرگ بود، رئیس متروگلدوین‌مایر. رو رفت و با خانمی بیرون آمد: نورما شیور... به این جلسه برای تصمیم‌گیری در خصوص این نکته برگزار شد که آیا اعتبار نمایش آثار نویسندگان متوسل شده به «متمم پنجم» را هنگام احضار برای شهادت در کمیته فعالیت‌های ضدامریکایی کنگره لغو کند یا نه.(متمم پنجم:اصطلاحی حقوقی در ایالات متحده امریکا است که بنا بر آن، فردی که به دادگاه یا در مقابل کمیته تحقیق کنگره امریکا برای شهادت زیر قسم احضار شده است و این امکان وجود دارد که شهادتش علیه خود وی استفاده شود و باعث احتمالی اعلام جرم علیه خودش شود این حق را دارد که از شهادت دادن خودداری کند) نخستین پیاده شد من او را شناختم: اروین تالبرگ بود، رئیس متروگلدوین‌مایر. رو رفت و با خانمی بیرون آمد: نورما شیور... به این جلسه برای تصمیم‌گیری در خصوص این نکته برگزار شد که آیا اعتبار نمایش آثار نویسندگان متوسل شده به «متمم پنجم» را هنگام احضار برای شهادت در کمیته فعالیت‌های ضدامریکایی کنگره لغو کند یا نه.(متمم پنجم:اصطلاحی حقوقی در ایالات متحده امریکا است که بنا بر آن، فردی که به دادگاه یا در مقابل کمیته تحقیق کنگره امریکا برای شهادت زیر قسم احضار شده است و این امکان وجود دارد که شهادتش علیه خود وی استفاده شود و باعث احتمالی اعلام جرم علیه خودش شود این حق را دارد که از شهادت دادن خودداری کند) نخستین پیاده شد من او را شناختم: اروین تالبرگ بود، رئیس متروگلدوین‌مایر. رو رفت و با خانمی بیرون آمد: نورما شیور... به این جلسه برای تصمیم‌گیری در خصوص این نکته برگزار شد که آیا اعتبار نمایش آثار نویسندگان متوسل شده به «متمم پنجم» را هنگام احضار برای شهادت در کمیته فعالیت‌های ضدامریکایی کنگره لغو کند یا نه.(متمم پنجم:اصطلاحی حقوقی در ایالات متحده امریکا است که بنا بر آن، فردی که به دادگاه یا در مقابل کمیته تحقیق کنگره امریکا برای شهادت زیر قسم احضار شده است و این امکان وجود دارد که شهادتش علیه خود وی استفاده شود و باعث احتمالی اعلام جرم علیه خودش شود این حق را دارد که از شهادت دادن خودداری کند) نخستین پیاده شد من او را شناختم: اروین تالبرگ بود، رئیس متروگلدوین‌مایر. رو رفت و با خانمی بیرون آمد: نورما شیور... به این جلسه برای تصمیم‌گیری در خصوص این نکته برگزار شد که آیا اعتبار نمایش آثار نویسندگان متوسل شده به «متمم پنجم» را هنگام احضار برای شهادت در کمیته فعالیت‌های ضدامریکایی کنگره لغو کند یا نه.(متمم پنجم:اصطلاحی حقوقی در ایالات متحده امریکا است که بنا بر آن، فردی که به دادگاه یا در مقابل کمیته تحقیق کنگره امریکا برای شهادت زیر قسم احضار شده است و این امکان وجود دارد که شهادتش علیه خود وی استفاده شود و باعث احتمالی اعلام جرم علیه خودش شود این حق را دارد که از شهادت دادن خودداری کند) نخستین پیاده شد من او را شناختم: اروین تالبرگ بود، رئیس متروگلدوین‌مایر. رو رفت و با خانمی بیرون آمد: نورما شیور... به این جلسه برای تصمیم‌گیری در خصوص این نکته برگزار شد که آیا اعتبار نمایش آثار نویسندگان متوسل شده به «متمم پنجم» را هنگام احضار برای شهادت در کمیته فعالیت‌های ضدامریکایی کنگره لغو کند یا نه.(متمم پنجم:اصطلاحی حقوقی در ایالات متحده امریکا است که بنا بر آن، فردی که به دادگاه یا در مقابل کمیته تحقیق کنگره امریکا برای شهادت زیر قسم احضار شده است و این امکان وجود دارد که شهادتش علیه خود وی استفاده شود و باعث احتمالی اعلام جرم علیه خودش شود این حق را دارد که از شهادت دادن خودداری کند) نخستین پیاده شد من او را شناختم: اروین تالبرگ بود، رئیس متروگلدوین‌مایر. رو رفت و با خانمی بیرون آمد: نورما شیور... به این جلسه برای تصمیم‌گیری در خصوص این نکته برگزار شد که آیا اعتبار نمایش آثار نویسندگان متوسل شده به «متمم پنجم» را هنگام احضار برای شهادت در کمیته فعالیت‌های ضدامریکایی کنگره لغو کند یا نه.(متمم پنجم:اصطلاحی حقوقی در ایالات متحده امریکا است که بنا بر آن، فردی که به دادگاه یا در مقابل کمیته تحقیق کنگره امریکا برای شهادت زیر قسم احضار شده است و این امکان وجود دارد که شهادتش علیه خود وی استفاده شود و باعث احتمالی اعلام جرم علیه خودش شود این حق را دارد که از شهادت دادن خودداری کند) نخستین پیاده شد من او را شناختم: اروین تالبرگ بود، رئیس متروگلدوین‌مایر. رو رفت و با خانمی بیرون آمد: نورما شیور... به این جلسه برای تصمیم‌گیری در خصوص این نکته برگزار شد که آیا اعتبار نمایش آثار نویسندگان متوسل شده به «متمم پنجم» را هنگام احضار برای شهادت در کمیته فعالیت‌های ضدامریکایی کنگره لغو کند یا نه.(متمم پنجم:اصطلاحی حقوقی در ایالات متحده امریکا است که بنا بر آن، فردی که به دادگاه یا در مقابل کمیته تحقیق کنگره امریکا برای شهادت زیر قسم احضار شده است و این امکان وجود دارد که شهادتش علیه خود وی استفاده شود و باعث احتمالی اعلام جرم علیه خودش شود این حق را دارد که از شهادت دادن خودداری کند) نخستین پیاده شد من او را شناختم: اروین تالبرگ بود، رئیس متروگلدوین‌مایر. رو رفت و با خانمی بیرون آمد: نورما شیور... به این جلسه برای تصمیم‌گیری در خصوص این نکته برگزار شد که آیا اعتبار نمایش آثار نویسندگان متوسل شده به «متمم پنجم» را هنگام احضار برای شهادت در کمیته فعالیت‌های ضدامریکایی کنگره لغو کند یا نه.(متمم پنجم:اصطلاحی حقوقی در ایالات متحده امریکا است که بنا بر آن، فردی که به دادگاه یا در مقابل کمیته تحقیق کنگره امریکا برای شهادت زیر قسم احضار شده است و این امکان وجود دارد که شهادتش علیه خود وی استفاده شود و باعث احتمالی اعلام جرم علیه خودش شود این حق را دارد که از شهادت دادن خودداری کند) نخستین پیاده شد من او را شناختم: اروین تالبرگ بود، رئیس متروگلدوین‌مایر. رو رفت و با خانمی بیرون آمد: نورما شیور... به این جلسه برای تصمیم‌گیری در خصوص این نکته برگزار شد که آیا اعتبار نمایش آثار نویسندگان متوسل شده به «متمم پنجم» را هنگام احضار برای شهادت در کمیته فعالیت‌های ضدامریکایی کنگره لغو کند یا نه.(متمم پنجم:اصطلاحی حقوقی در ایالات متحده امریکا است که بنا بر آن، فردی که به دادگاه یا در مقابل کمیته تحقیق کنگره امریکا برای شهادت زیر قسم احضار شده است و این امکان وجود دارد که شهادتش علیه خود وی استفاده شود و باعث احتمالی اعلام جرم علیه خودش شود این حق را دارد که از شهادت دادن خودداری کند) نخستین پیاده شد من او را شناختم: اروین تالبرگ بود، رئیس متروگلدوین‌مایر. رو رفت و با خانمی بیرون آمد: نورما شیور... به این جلسه برای تصمیم‌گیری در خصوص این نکته برگزار شد که آیا اعتبار نمایش آثار نویسندگان متوسل شده به «متمم پنجم» را هنگام احضار برای شهادت در کمیته فعالیت‌های ضدامریکایی کنگره لغو کند یا نه.(متمم پنجم:اصطلاحی حقوقی در ایالات متحده امریکا است که بنا بر آن، فردی که به دادگاه یا در مقابل کمیته تحقیق کنگره امریکا برای شهادت زیر قسم احضار شده است و این امکان وجود دارد که شهادتش علیه خود وی